ادامه از صفحه اول

پاسخ به پرسش رئیس جمهور

پس اگر برای دولت مسائل معلمان در اولویت باشد، اجرای هر برنامه با هر میزان بار اجرائی و مالی قابل انجام است؛ پس جناب آقای رئیسی یک گام عملی برای شما برای تحقق ایران قوی اجرای بدون تأخیر رتبه‌بندی معلمان سراسر کشور است و جناب‌عالی که از اصحاب «ما می‌توانیم» هستید، این گوی و این میدان؛ بسم الله. ج- مدارس توانمند: جناب آقای رئیسی اقتدار آموزش‌وپرورش به توانمندی مدارس برمی‌گردد. مدرسه‌ها محور تحول و تغییر و کارآمدی هستند. مدرسه قوی زمینه‌ساز ایران قوی است. باید سیاست مدرسه‌محوری به صورت همه‌جانبه مورد توجه و حمایت قرار گیرد؛ ازجمله قوانین با رویکرد واگذاری کامل اختیار آن به مدارس اصلاح شود، سرانه مالی مدارس به صورت واقعی تعریف و در اختیار آنان گذاشته شود و به وضع فلاکت‌بار اداره ناتوان مدارس که حتی در تأمین نیازهای حیاتی و ضروری مدرسه یعنی خرید ملزومات اداری و آموزشی پایان داده شود. ای کاش فرصت می‌کردید به صورت سرزده در یکی از مدارس دولتی حتی در شهر تهران حضور می‌یافتید تا به عمق نارسایی‌ها پی ببرید. اختیارات معلمان، مربیان، دانش‌آموزان، اولیای مدارس و در رأس آنان مدیران مدارس باید افزایش یابد تا مدارس بتوانند نقش آموزشی و پرورشی خود را به شایستگی ادا کنند. امروز صدای آموزش‌وپرورش از حوزه ستادی شنیده می‌شود، حال آنکه صدای حقیقی معلمان، مربیان و دانش‌آموزان در مدارس خاموش مانده است. د- تربیت دانش‌آموزان: از دیگر راه‌های اقتدار تعلیم و تربیت، اهتمام به امور تربیتی دانش‌آموزان است. مسائل تربیتی روح و روان دانش‌آموزان را جلا داده و شاداب می‌کند و انگیزه آنان را برای تحصیل و پیشرفت و تعالی هموار می‌کند. مدرسه محیط زندگی است. دانش‌آموزان باید در این محیط از مهارت‌های زندگی در دنیای جدید بهره‌مند شوند. آنان باید راه تعامل، گفت‌وگو و هم‌اندیشی، پرسشگری، خودانتقادی، احترام به حقوق دیگران، حقوق شهروندی، حفظ محیط زیست، مسائل اقتصادی، حفظ هویت ملی و دینی و... را بیاموزند. تربیت دانش‌آموزان باید در اولویت برنامه‌های مدارس و آموزش‌وپرورش قرار گیرد. تأمین مربیان و مشاوران توانمند و مکفی در مدارس، تجهیز مدارس به منابع و امکانات مناسب ورزشی، فرهنگی، تفریحی، بهداشتی و کتاب‌خوانی، تأمین زیرساخت و تجهیزات فناوری اطلاعات و ارتباطات اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از راه‌های تقویت اقتدار تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است و این اقدامات همگی سرمایه‌گذاری برای آینده بهتر نوجوانان و جوانان و زمینه‌ساز ایران قوی خواهد بود.

پرسش مهر دوم: معلمان چگونه می‌توانند در شکل‌گیری ایران قوی مشارکت کنند؟

اما ما معلمان و دانش‌آموزان چگونه می‌توانیم در شکل‌گیری ایران قوی مشارکت داشته باشیم.

الف- سازمان نظام صنفی معلمان: درحال‌حاضر معلمان در فرایند تصمیم‌سازی آموزش‌وپرورش هیچ نقشی ندارند. گرچه گروه‌ها و انجمن‌های صنفی محدود و اغلب با انگیزه‌های متفاوت به نمایندگی از معلمان تلاش‌هایی را انجام می‌دهند که جای تقدیر دارد؛ اما این مشارکت‌ها نظام‌مند نیست و بالطبع اثربخشی آن بسیار محدود است. معلمان بیش از ۲۰ سال خواهان تشکیل نهادی صنفی به نام «سازمان نظام حرفه‌ای معلمان» هستند و تمایل دارند مشابه سایر اصناف و مشاغل حرفه‌ای مثل پزشکان، مهندسان، پرستاران و... در امور صنفی و حرفه‌ای خود به صورت جامع و تخصصی حضور فعال داشته باشند. یکی از راه‌های مشارکت مؤثر برای اعتلای تعلیم و تربیت و ایران قوی، تشکیل فوری سازمان صنفی معلمان با حضور بیش از یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار معلم از سراسر کشور است که همه مقدمات قانونی و اجتماعی آن فراهم شده، ولی همچنان در نظام اداری متوقف مانده است. ب- آموزش ضمن خدمت: ما معلمان علاقه‌مند و متعهد هستیم که در ارتقای علمی و اخلاقی دانش‌آموزان و آموزش‌وپرورش که زمینه‌ساز اقتدار علمی در کشور است، بیش از گذشته مشارکت کنیم و در تولید علم، دانایی و سربلندی ایرانی توانا و دانا تلاش مؤثر انجام دهیم؛ اما آقای رئیس‌جمهور شما می‌دانید در کنار این‌همه مشکلات معیشتی، سال‌هاست به دلیل فقدان منابع مالی کافی همه آموزش‌های ضمن خدمت معلمان به تعطیلی کشیده شده و متأسفانه هیچ فرصتی برای علم‌آموزی و بالابردن سطح دانش و مهارت معلمان در آموزش‌وپرورش وجود ندارد و حتی امکان ادامه تحصیل از معلمان سلب شده است. جناب‌عالی به‌خوبی می‌دانید که این امور از پیش‌نیازها و از الزامات کار تعلیم و تربیت است. چگونه معلمان بدون کلاس آموزشی و آموزش مستمر می‌توانند روزآمد شده و به نیازهای دانش‌آموزان و جامعه پاسخ دهند. از جناب‌عالی می‌خواهیم امر ضمن خدمت معلمان را دستور دهید در برنامه مستمر و دائمی آموزش‌وپرورش قرار دهند. در چنین شرایطی است که معلمان در تولید علم و دانایی کشور سهیم خواهند شد. آقای رئیس‌جمهور ایران قوی نیازمند آموزش‌وپرورش قوی و آموزش‌وپرورش توانا و موفق نیازمند دو اقدام عاجل است:

۱- مقتدرترین فرد در میان اعضای کابینه شما، داناترین فرد از لحاظ تخصصی و علمی در جامعه تعلیم و تربیت و تواناترین فرد از میان مدیران باتجربه کشور را برای وزارت آموزش‌وپرورش انتخاب کنید.

۲- دستور فرمایید بودجه و اعتبار آموزش‌وپرورش در سال ۱۴۰۰ دو برابر شود که مشکل معلمان به قول شما یک بار برای همیشه حل‌وفصل شود. آن‌گاه این حدیث معنا پیدا خواهد کرد که العلم سلطان من وجد صال و من لم یجده صیل علیه. والسلام.

*** عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان**

قالیباف: تقصیر مجلس هشتم است/ کوهکن: ما محرمانه نکردیم

چه کسی اموال مسئولان را محرمانه کرد؟

تاریخچه اضافه‌شدن قید محرمانگی به مجلس هفتم و ریاست حدادعادل می‌رسد

در حالی که طبق ادعای صریح نایب‌رئیس کمیسیون قضائی مجلس قید محرمانگی و امنیتی به یکی از تبصره‌های طرح رسیدگی به اموال مسئولان اضافه شده است، نمایندگان اصولگرا و حامیان رسانه‌ای ایشان در بیرون از مجلس اصرار دارند که در مجلس یازدهم هیچ تصمیمی دراین‌باره گرفته نشده و هرچه بوده مربوط به مصوبه مجلس هشتم و مجمع تشخیص مصلحت نظام است. این در حالی است که یک نماینده عضو جبهه پایداری به‌صراحت گفته است چون این قید در مجمع اضافه شده، ما امکان حذف آن را نداریم! علاوه بر آن کاظم دلخوش، سخنگوی کمیسیون قضائی نیز همین دیروز دوباره بر این قید محرمانگی تأکید کرده و به خبرگزاری صداوسیما گفته است: «در سامانه‌ای که اموال مسئولان ثبت می‌شود، فقط اعضای کمیته تعیین‌شده در قانون کنترل می‌کنند و افزایش اموال مسئولان رصد می‌شود تا اگر مسئولی اموالش افزایش داشته باشد قابل بررسی باشد. این به معنای افشای عمومی نیست و فقط در دسترس و کنترل دستگاه‌هایی است که ما در قانون پیش‌بینی می‌کنیم و بحث محرمانگی در این موارد است و اگر نیاز به برخورد با مسئولی باشد، این برخورد برابر قانون انجام خواهد شد. این قانون فعلا در فضای مسئولان دولتی و حاکمیتی بوده و بخش خصوصی در این قانون دیده نشده است».

ما محرمانه نکردیم!

از همه اینها گذشته، دیروز محسن کوهکن، نماینده مجلس هشتم و نهم، صراحتا گفته است اگرچه او در آن مجلس از موافقان این طرح بوده، اما آن مصوبه به هیچ عنوان دارای قید محرمانگی نبوده و اصلا صحبتی درباره بحث انتشار محرمانه آن در مصوبه مجلس هشتم وجود نداشته است. باقر قالیباف دیروز در صحن مجلس گفته بود: «مجلس یازدهم برای محرمانه‌بودن اموال مسئولان هیچ مصوبه‌ای نداشته است. فرایند تصویب قانون در مجلس کاملا مشخص است و نمایندگان در این خصوص تصمیمی نگرفته‌اند. این تصمیم مربوط به مجلس هشتم است و در فرایند دیگری بررسی و تصویب شده است». محسن کوهکن دیروز با اشاره به اینکه من از موافقان این طرح بودم، به ایسنا گفته است: «این طرح مصوب مجلس هشتم است اما در طرح اولیه قید «محرمانه‌بودن» وجود نداشت و جزء مصوبه نبود. من از موافقان تصویب این طرح بودم و به یاد ندارم در طرح مجلس هشتم، قید محرمانگی وجود داشته باشد. البته از آنچه در قانون اساسی آمده است به نوعی می‌شود تلقی محرمانه‌بودن هم بشود از این جهت که اموال مسئولان علنی نمی‌شود. فهرست اموال مسئولان در ابتدا و پایان مسئولیت در اختیار قوه قضائیه قرار می‌گیرد و علنی نمی‌شود. تفسیر برخی هم این است که باید علنی شود. درباره اینکه اگر محرمانه‌بودن مصوب شده و الان ابلاغ و این مسائل مطرح شده است، ابهاماتی وجود دارد که باید توضیح داده شود. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در این زمینه باید توضیحاتی بدهد تا موضوع روشن شود. من

در جریان نیستم که آیا طرح در مجمع تشخیص مصلحت ابلاغ شده است و قید محرمانگی دارد یا نه». او گفته است: «طرح نمایندگان مجلس هشتم تا جایی که ذهنم یاری می‌کند در کمیسیون حقوقی بررسی شد و خیلی تغییری نکرد و تصویب شد. شک دارم که در این زمینه کمیسیون خاصی در مجلس تشکیل شده باشد. شورای نگهبان به این طرح ایراد قانون اساسی گرفت و بر این نظر بود که در قانون اساسی آمده است که چه کسانی باید اموال خود را اعلام کنند و افزودن افراد جدید خلاف این قانون است. اما اگر قرار بود طرح در همان چارچوب قانون اساسی باشد که فایده‌ای نداشت؛ زیرا نمایندگان دنبال بسط تعداد مسئولان بودند، مخصوصا مسئولانی که در نهادهای اداری و پولی دست بازی دارند. این ایراد شورای نگهبان چندان قابل اصلاح نبود، بنابراین یا باید نظر شورای نگهبان پذیرفته می‌شد یا مجلس هشتم باید بر نظر خود پافشاری می‌کرد که مجلس راه دوم را برگزید و در نهایت طرح به مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست آیت‌الله هاشمی رفت. در ادامه هم مجلس هشتم و نهم تمام شد و این طرح در نوبت رسیدگی و در فرایند بررسی ماند». این نماینده مجلس هشتم در انتها گفته است: «من معتقدم کسی که بر اساس احساس تکلیف وارد نظام شده و مسئولیت می‌گیرد باید تمام وقت به دنبال خدمت باشد و دیگر فرصتی برای افزودن اموال خود ندارد، مگر اینکه از راه‌هایی که در ظاهر هم خلاف قانون نیست، استفاده کند مثل رانت؛ زیرا این اقدامات موجب ایجاد ذهنیتی خاص برای جامعه نسبت به مسئولان می‌شود که در اصطلاح می‌گویند «بردند و خوردند». در آن مقطع مجلس هشتم برای اینکه مردم سره را از ناسره تشخیص دهند و فضاسازی علیه نظام نشود، به سمت تصویب این طرح رفتند».

کار حدادعادل بود؟

اما روزنامه جمهوری اسلامی به نکته ظریفی اشاره کرده و در برابر جریانی که سعی دارد تقصیر اضافه‌شدن قید محرمانگی به قانون رسیدگی به اموال مسئولان را بر دوش هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان رئیس وقت مجمع بیندازد، نوشته که این قید در دوره مجلس اصولگرای هفتم و ریاست حدادعادل تصویب شد؛ چراکه در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۹ ریاست وقت مجلس اصولگرا، در نامه‌ای به احمد جنتی دبیر شورای نگهبان می‌نویسد: «در اجرای اصل نودوچهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طرح یک‌فوریتی رسیدگی به دارایی مقامات و مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۶/۴/۵ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد». در ماده ۱۴ این طرح که مجلس اصولگرای هفتم تصویب و حدادعادل آن را برای بررسی به شورای نگهبان فرستاده بود، نوشته شده: «صورت دارایی اشخاص موضوع این قانون محرمانه بوده و انتشار آن ممنوع است...». به نوشته این روزنامه در مجلس هشتم هم این بند هیچ تغییری نمی‌کند و از آنجا به شورای نگهبان می‌رود و در نهایت هم سر از مجمع درمی‌آورد و مجمع فقط ادبیات آن بند را عوض کرده است و این یعنی مجلس اصولگرای هفتم از سال ۸۶ اموال مسئولان را محرمانه کرده بود و مجلس انقلابی هم امروز قید «امنیتی» را به فهرست دارایی مسئولان اضافه کرده است.

مجلس پا پس می‌کشد؟

حسن نوروزی، نماینده و نایب‌رئیس کمیسیون قضائی که برای نخستین بار درباره این مصوبه خبررسانی کرده و گفته بود: «بر اساس مصوبه کمیسیون، سامانه مدنظر برای ثبت اموال مسئولان کاملا «محرمانه» است و جنبه «امنیتی» دارد»، حالا در گفت‌وگویی مدعی شده «چیزی که هنوز شکل نگرفته و در مراحل ابتدایی است، ضرورتی ندارد این‌طور مورد حمله قرار بگیرد. ما این مسائل را حل خواهیم کرد و انتظار داریم که منتقدان هم صبر کرده و اول ببینند ما چه تصمیم می‌گیریم. متأسفانه گاهی عدالت‌خواهان هم با این هجمه‌ها همراه می‌شوند؛ درحالی که باید از ما تجلیل می‌کردند، چون همین هفته گذشته شکواییه‌ای را علیه روحانی به قوه قضائیه فرستادیم. با این حال غفلت کرده و به این زحمات و تلاش‌های کمیسیون قضائی دقت ندارند». به نظر می‌رسد حجم انتقادات به سمت مجلس حتی از سوی خود جریان اصولگرایی آن‌قدر زیاد بوده که منجر به چنین واکنش‌هایی شده است. در این صورت احتمال بسیار زیادی هست که این بند یا از مصوبه کمیسیون قضائی حذف شود یا در صورت طرح در صحن با آن مخالفت شود. اگرچه به نظر می‌رسد در نهایت تغییری در قانونی که هم‌اکنون در حال اجراست، رخ ندهد؛ چراکه امضای سیدابراهیم رئیسی پای آیین‌نامه اجرائی این قانون وجود دارد. آیین‌نامه‌ای که در ماده ۸ آن به صراحت آمده است: «فهرست دارایی مقامات مسئول و سمت‌ها و مشخصات افراد مشمول و اسناد و اطلاعات مربوط به آن که به قوه قضائیه ارائه می‌شود، محرمانه بوده و افشای آن ممنوع است».

اوضاع ایران پس از جنگ جهانی اول و اشغال آن توسط متفقین

ارشک کیانی: پایان جنگ جهانی اول و شکل‌گیری خاورمیانه جدید: در پایان جنگ جهانی اول که نیروهای مسلح بریتانیایی خاورمیانه را اشغال کردند، ابتدا منطقه در انفعال کامل به سر می‌برد. اما دیری نپایید که دردسرها برای اشغالگران آغاز شد. ابتدا مصر زنگ تحولات را به صدا درآورد. در سال ۱۹۱۸ خواهان استقلال می‌شود و در ۱۹۱۹ قیام آغاز می‌شود. هم‌زمان آشوب‌های عشایری سراسر اردن را فراگرفت. در بهار ۱۹۲۰ اعراب در غرب فلسطین علیه یهودیان طغیان کردند. عراق دچار بلوا شد و بریتانیایی که تا دیروز درگیر یک جنگ بزرگ و طاقت‌فرسای جهانی بود این‌بار به گونه‌ای سهمناک‌تر خود را غرق در دریای توفانی مستعمرینش یافت. او که از یک طرف به دلیل کمبود نیروهای نظامی و خسته خود در خاورمیانه توان مقابله با موج ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی مردمان خاورمیانه را نداشت ازسوی دیگر خود را در موضع ضعف در رقابت با رقبای دیرینه خود یعنی روسیه و فرانسه می‌دید، غافل از آنکه آنها هم در جنگ دچار رکود اقتصادی و فرسایش نظامی شده و توان مقابله با این موج توده‌های تحت ستم را در این بخش از جغرافیای آسیا ندارند. همزمان فرانسه هم وارد جنگ با مخالفان خود در سوریه شد. اما آنها هم نه تنها در این زمان با بریتانیا در مقابل این خیزش‌های عمومی ابراز همدردی نمی‌کردند بلکه در هر نقطه‌ای که اشتراک یا تضاد منافع بود درصدد سهم‌خواهی بیشتر علیه یکدیگر کارشکنی می‌کردند. اوضاع روسیه هم چنان که شواهد تاریخی نشان می‌دهد بهتر از دیگر رقبایش نبود. او نیز درگیر جنگ‌های داخلی خود و خیزش‌های مسلمانان در آسیای میانه و جنبش‌های جدایی‌خواه بود.

بریتانیا و ایران

در این ایام نخست‌وزیر بریتانیا به همه جا توجه داشت جز ایران، همسایه شرقی امپراتوری عثمانی، که در آن زمان به هر روی از نقاط محبوب او در جهان نبود. پس در این رهگذر راه برای لرد کرزن، رئیس کمیته شرقی کابینه که از سال ۱۹۱۹ وزیر خارجه شده و همواره با چرچیل (نخست‌وزیر وقت) دچار اختلاف نظر و رقابت بود، باز شد. برخلاف نخست‌وزیر، جورج کرزن به هیچ نقطه‌ای از دنیا به اندازه ایران علاقه نداشت. او از اواخر قرن نوزدهم با اشراف دقیقی که بر جغرافیای ایران و همچنین سبک و سیاق زندگی مردم داشت و در سال ۱۸۸۹ کتابی را تحت عنوان ایران و مسئله ایران نوشت که منبع بسیار مهمی در آن زمان اروپا به شمار می‌رفت یک سیاست راهبردی خاصی را پیگیری می‌کرد که عبارت بود از: ایجاد کمربندی از دولت‌های اسلامی در خاورمیانه برای جلوگیری از توسعه روسیه. از نگاه او می‌بایست این کمربند از امپراتوری عثمانی آغاز شده از ایران عبور کرده و تا امارات اسیای میانه و افغانستان امتداد پیدا کند. اما سیاست چرچیل و بریتانیا در آن مقطع از تاریخ به دو دلیل، خروج از ایران و سایر کشورهای تحت نفوذ خود در خاورمیانه بود، اول: به دلیل کاهش هزینه‌های سرسام‌آور و ویرانه‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی که حاصل جنگ جهانی اول بوده و تقریبا کشور را به ورطه سقوط اقتصادی کشانده بود. دوم: وحشت از جریحه‌دارشدن و شعله‌ورشدن احساسات میهن‌پرستی مردم خاورمیانه و سرایت آن به سایر کشورها و کوتاهی دست آنها در تأمین منافع خود در کشورهای خاورمیانه. سرانجام کرزن طرح خود را تحت عنوان «تمامیت ارضی ایران باید یک اصل اساسی در مرامنامه امپراتوری باشد و حفظ این تمامیت از دست‌درازی‌های روسیه که هدف اصلی ماست بازمی‌دارد» در قالب قرارداد ۱۹۱۹ به دولت بریتانیا قبولاند. احمدشاه جوان برای برمسندماندن به همراه وثوق‌الدوله مبلغ ۳۳۰ هزار پوند از دولت بریتانیا وجه نقد دریافت کردند. به موجب این قرارداد ضمن ماندگارشدن نیروهای بریتانیایی در ایران، کارشناسان انگلیسی امور مالی کشور را در دست گرفته و ضمن ساختن یک شبکه راه‌آهن ملی در ایران هزینه‌های آن را از وصول عوارض گمرگی دریافت می‌کردند.

انقلاب بلشویکی و مواضع آن نسبت به ایران

سیاست‌های ابتدایی بلشویک‌ها با بریتانیا درباره ایران در تضادی خوشایند برای بریتانیایی‌ها پیش می‌رفت. در ابتدای سال ۱۹۱۸ دولت شوروی تمامی قراردادها و ادعاهای دولت تزاری را با ایران که همگی درراستای منافع روسیه تزاری بود وقت ایران ملغی کرد و تمامی بدهی‌های دولت ایران را بخشید. توده‌ها و مردم خوشحال رهانیده شده از یوغ قراردادهای روسیه تزاری این‌بار خود را گرفتار قرارداد ننگین ۱۹۱۹ بریتانیا می‌دیدند. طولی نکشید که این‌بار تاریخ به گونه‌ای دیگر ورق خورد. براثر تحرکات نیروهای دریایی بریتانیایی باقی‌مانده از جنگ جهانی اول در سواحل دریای خزر و مستقر در انزلی، سبب تنش و درگیری با نیروهای دریایی شوروی شده که متعاقبا سبب حمله نظامی شوروی به انزلی و تصرف تمامی عدوات جنگی بریتانیا در آن منطقه شده و پیامد آن سبب اعلام جمهوری سوسیالیستی در گیلان شد که هرچند شوروی نقش خود را در این مهم انکار می‌کند اما حمایت و تحرکات آن در این رویداد گیلان بر تاریخ پوشیده نیست. حال با این اوصاف با توجه به غرور جریحه‌دارشده مردم از قرارداد ۱۹۱۹ این برگ برنده لرد کروزن هر لحظه رنگ و وجاهت خود را از دست می‌دهد.

ورود آیرونساد و تغییر معادله قدرت در ایران

سرلشکر ادموند آیرونساد که با هدف سروسامان‌دادن به اوضاع شمال وارد ایران شده بود از همان ابتدا با نظرات لرد کروزن و شیوه عمل آن مخالف بود. او معتقد بود که هم روسیه و بریتانیا هر دو باید خاک ایران را ترک کنند مشروط بر اینکه در ایران یک دولت مقتدر بومی بر سر کار باشد که بتواند هم به آن امید بسته و هم آنجا را سرپا نگه دارد. او یگانه راه خود را در قزاقخانه ایران مکانی متشکل از شش هزار سرباز و هفت درجه‌دار و افسر زبده ایرانی در مقابل شش افسر و ۶۰۶ درجه‌دار روسی یافت که پس از فروپاشی روسیه تزاری هزینه‌های این قزاقخانه را بریتانیایی‌ها پرداخت می‌کردند. سرانجام او ستاره بخت خود را یافت و او فردی نبود جز رضاخان که انضباط و سرسختی‌اش او را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. آیرونساد که به‌خوبی می‌دانست که وزارت جنگ بریتانیا قصد دارد تا پایان سال ۱۹۲۱ از ایران خارج شود در حرکتی هماهنگ با رضاخان به او گفت که چنانچه نیاز به کودتا باشد، نیروهای بریتانیایی دست به مقاومت نخواهند زد. سرانجام رضاخان دست به کودتا زده و متعاقبا بر محکم‌کردن جایگاه خود در اولین اقدام دست به ملغی‌کردن قرارداد ۱۹۱۹زده که از مدت‌ها قبل در ذهن مردم ایران خاطره تعدی و تجاوز نیروهای بریتانیایی را به خاک و منابع ایران تداعی می‌کرد. این رویداد که به‌دلیل پنهان‌ماندن نقش آیرونساید بریتانیایی‌ها را خشمگین و حیرت‌زده کرده بود. بعدها پس از چند دهه با ارائه اسناد توسط یک نویسنده آمریکایی افشا شد.

روابط ایران با شوروی و بریتانیا در سال‌های نخستین

دوران پهلوی اول: چند روز پس از کودتا و لغو قرارداد ۱۹۱۹ تهران به نماینده دیپلماتیکش در مسکو دستور می‌دهد که قراردادی را با شوروی امضا کند که رویکرد آن نه‌تنها در عمل به معنای اولین موضع‌گیری رسمی ایران نسبت به بریتانیا بوده بلکه به تعبیری دیگر تحت‌الحمایگی بریتانیا در مقابل روسیه را رد کرده و در مقابل زیر نفوذ شوروی درآمد. کامنف از چهره‌های سیاسی و مطرح وقت شوروی معتقد بود شوروی باید از ناسیونالیسم ایرانی در مقابل بریتانیا حمایت کنند، زیرا تضعیف بریتانیا در ایران می‌تواند به مقاومت گروه‌های شورشی در عراق نیز بینجامد. این نظریه در زمانی مطرح شد که روسیه علاوه بر هم‌پیمانی با ترکیه کمالی به توافقی جدید با کشور مسلمان افغانستان نیز رسیده بود و آن‌سوتر در مصر و فلسطین آشوبگران عرب به خیابان‌ها ریخته بودند و از سوی دیگر ابن سعود در عربستان و فیصل در سوریه با قشونشان وارد کارزار شده بودند تا سرنوشتی متفاوت‌تر از آنچه بریتانیا می‌خواست برای آنها تعیین کند برای خود رقم بزنند. حال دیگر کارد به استخوان بریتانیا رسیده بود. همان تفکر و رؤیایی که لرد کروزن برای بریتانیا تحت عنوان کمربند اسلامی در مقابل روسیه در سر می‌پروراند، حال در لباس ناسیونالیسم ایرانی و ترک و عرب و آسیای میانه‌ای رودررو و چشم‌درچشم خودشان شکل گرفت. گویی که دشمن قهاری آن را آگاهانه و از روی عمد برایشان برنامه‌ریزی کرده است: روسیه شوروی. اما در عمل این‌گونه نبود و الزاما روند تحولات اجتماعی در دست قدرت‌های جهانی و مطابق میل آنها رقم نخواهد خورد و الزاما بدان معنا نخواهد بود که هر تحولی با برنامه‌ریزی و خواست قبلی آنها پیش خواهد رفت زیرا همان‌طورکه دیدید این حوادث گاهی به‌صورت تصادفی و پیوسته رخ داده‌اند. درست است که شوروی از تحولات و جنبش‌های اجتماعی و در عراق و ترکیه و سایر کشورهای عربی به نفع منافع خود در مقابل شوروی حمایت می‌کرد؛ اما همه این جنبش‌ها به‌صورت خودجوش و به‌صورت محلی بوده و ریشه در خواست مردم و تحولات در همان کشورها داشت.

انقلاب مشروطه در ایران و تاج‌گذاری پهلوی اول

انقلاب مشروطه مانند سایر انقلاب‌های دیگر جهان برگرفته از خواست و مطالبات عمیق اجتماعی و انباشته‌شده توده‌ها بوده که دهه‌ها بلکه گاهی قرن‌ها به‌دلیل عدم پاسخ‌گویی حاکمیت‌ها به مطالبات مردم به‌صورت اعتراضات و جنبش‌های عظیم اجتماعی نمود پیدا کرده و آثار آن را می‌تواند به سایر ملت‌ها و حاکمیت‌های دیگر در جهان تسری پیدا کند؛ اما علاوه بر خواست و مطالبه‌گری توده‌ها و عوامل دیگری چون نیروهای خارجی و همچنین عملکرد حاکمیت‌های مرکزی در این پدیده اجتماعی مؤثر خواهد بود. با این رویکرد می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر رشد شهرنشینی در ایران و انباشته‌شدن مطالبات لایه‌های فرودست جامعه در دهه‌های متمادی و اصلاحات درخشان امیرکبیر در ایران و همچنین هم‌زمان با جنگ جهانی اول و رشد ناسیونالیسم در منطقه و خودفروختگی و وابستگی شاهان وقت در ایران و غارت سرمایه‌های ملی توسط بیگانگان منتج به انقلاب مشروطه شد. سرانجام فرمان مشروطه در چهاردهم مردادماه ۱۲۸۵ توسط مظفرالدین‌شاه صادر شد که به‌دنبال آن و به‌دلیل به توپ بسته‌شدن مجلس توسط محمدعلی‌شاه و فتح تهران در سال ۱۲۸۸ خون انقلابیون به ثمر نشست. با وجود استقرار پادشاهی مشروطه، بنیان‌گذاری مجلس و تدوین قانون اساسی مشروطه، به‌دلیل نهادینه‌نشدن قانون اساسی و سرایت به تمامی ارکان نظام حاکم و عدم تغییر بنیادی در ساختار نظام سیاسی کشور و همچنان تمرکز قدرت در دست هیئت حاکمه فاسد و اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه خارجی و سر به دار کردن انقلابیون، دستاوردهای آن، آن‌چنان که می‌بایست در جامعه نهادینه نشد. سرانجام رضاشاه در سال ۱۳۰۴ تاج‌گذاری کرد و در سال ۱۳۱۴ شمسی نام کشور از پارس به ایران تغییر پیدا کرد.

روابط پهلوی اول با ابرقدرت‌های جهانی و چرایی اشغال ایران توسط متفقین

همان‌گونه که در سطور بالا به آن اشاره شد، رضاخان در اولین اقدام خود پس از کودتا ضمن ملغی‌کردن قرارداد ۱۹۱۹ خود را تحت حمایت روسیه در مقابل بریتانیا قرار می‌دهد. که این مهم علاوه بر تضعیف منافع بریتانیا در ایران سبب پررنگ‌شدن روابط رقیب دیرینه‌اش یعنی شوروی در منطقه خاورمیانه شد که این مهم حتی بعد از تیرگی روابط آلمان و شوروی که در نهایت منجر به جنگ جهانی دوم شد از نظر آنها دور نگردید. رضاشاه نه تنها نتوانست به مانند آتاترک از این فرصت تاریخی یعنی صف‌بندی و آرایش قدرت‌های جهانی به نفع خود سود برده و با برقراری ارتباط با هر دو قدرت جهانی در منطقه به نفع کشور نقش بازی کند بلکه در میان مدت نیز روابطش با شوروی رو به تیرگی رفته و در نهایت علاوه بر ازدست‌رفتن فرصت‌های سیاسی و اقتصادی در جنگ جهانی دوم و با اتحاد دو رقیب دیرینه منجر به اشغال ایران شد. او سپس تمامی نهادهای قدرتمندی را که محصول دستاورد انقلاب مشروطه بود، تضعیف کرد. اما پرسش تاریخی در اینجاست که چرا و چگونه ارتش پهلوی اول علیرغم مجهزشدن و همچنین شکل و نظم‌گرفتن در قالب یک ارتش سراسری بدون اندک مقاومتی در مقابل نیروهای متفقین تسلیم شد؟ هرچند نباید جسارت‌ها و ازجان‌گسیختگی‌های فرزندان برومند ایران از جمله از جان‌فشانی‌های سه سرباز راه وطن در منطقه جلفا زنده‌نامان مصیب ملک‌محمدی، محمد راثی هاشمی و عبدالله هاشمی که ۴۸ ساعت در مقابل نیروهای مهاجم ایستادگی کردند چشم‌پوشی کرد. مگر در گذشته و حتی کمی پیش‌تر از آن نادرشاه افشار به کمک همین نیروهای بومی ضمن حفظ مرزها در مقابل نیروهای بیگانه ایستادگی نکردند.؟

ادامه در صفحه ۳

روزنه

جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش:

مشکل خاصی در مرزهای کشور نداریم

● **ایسنا:** جانشین فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: در شش ماه اخیر تحرکاتی را در منطقه شمال غرب کشور شاهد بودیم، ولی درحال‌حاضر در مرزهای زمینی، هوایی و دریایی کشور مشکل خاصی نداریم. امیر سرتیپ نوذر نعمتی روز گذشته در حاشیه مراسم افتتاح پروژه ۱۲۶ واحدی کوی سازمانی بعثت تیپ ۲۱۶ مستقل زرهی زنجان و در جمع خبرنگاران، با بیان اینکه مأموریت ارتش جمهوری اسلامی ایران حفظ استقلال و تمامیت ارضی بوده که با نیروهای چهارگانه ارتش در حال اجرای این مأموریت است، اظهار کرد: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شمال غرب، غرب، جنوب غرب و شرق و جنوب شرق درحال‌حاضر استقرار فیزیکی دارد و به‌صورت شبانه‌روزی در حال پایش مرزهای کشور هستیم. او با اشاره به خروج مفتضحانه آمریکا از کشور افغانستان که در امنیت منطقه تأثیرات خاص خود را دارد، افزود: در شش ماه اخیر تحرکاتی را به‌صورت ویژه از عناصر رژیم صهیونیستی در شمال غرب کشور داشته‌ایم. این مقام نظامی با بیان اینکه اکنون در مرزهای زمینی، هوایی و دریایی کشور مشکل خاصی نداریم، تصریح کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی لحظه‌ای از مأموریت اصلی خود غافل نیستند و غافلگیر نخواهند شد.

بعد از ۲۰ ماه، در تهران نماز جمعه برگزار می‌شود

● **شرق:** ستاد نماز جمعه تهران اعلام کرد با آرایش جدید نیروی انسانی و با تدابیر و برنامه‌هایی متناسب با شأن و منزلت نمازگزاران، از آمادگی مناسب برای برگزاری نماز جمعه در جمعه هفته جاری برخوردار است. در بخشی از متن اطلاعیه شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه در اولین نماز جمعه تهران پس از شیوع کرونا آمده است: طی ۲۰ ماه گذشته، چهار نوبت و هر بار در شرایطی که با فرود موج سرکش کرونا، مجالی برای اقامه مجدد نماز جمعه تهران فراهم می‌شد، بر اساس تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) که هم‌زمان به‌عنوان امام جمعه، دغدغه حفظ این سنگر مهم و نگرانی صیانت از سلامتی هم‌وطنان عزیزمان را داشتند، از ستاد ملی مقابله با کرونا استعلام و پیگیری شد که البته هر بار، با طغیان مجدد این ویروس منحوس، فرصت ادای این فریضه الهی سلب می‌شد.

پشت پرده تصمیمات فسادزا باید آشکار شود

● **شرق:** مصطفی نخعی، نماینده مردم نهبندان و سربیشه در مجلس، در توییتی به موضوع لغو تصمیم اتخاذشده درباره عدم مراجعه کامیون‌های حامل سوخت به منطقه ویژه اقتصادی بیرجند اشاره کرد و نوشت: ظاهرا اراده‌ای برای مقابله با این رانت و فساد مشهود وجود ندارد. پشت پرده این تصمیمات غلط، غیرکارشناسی و فسادزا باید هرچه زودتر برای مردم آشکار شود.

راه‌اندازی رشته تحصیلی امر به معروف و نهی از منکر

● **انتخاب:** رئیس قرارگاه احیای بینش امر به معروف و نهی از منکر گفت: قرار است رشته‌ای در مقاطع ارشد و دکترا به‌عنوان رشته امر به معروف و نهی از منکر راه‌اندازی و محتوای درسی در این زمینه تولید شود. او اضافه کرد: حجاب و عفاف خیلی هم مهم است، اما عرصه‌های دیگری هم هست که ما نباید از آنها غفلت کنیم. دکتر مهران صمدی در وبینار اولین جلسه مجازی تبیین رویکردهای جدید ستاد امر به معروف و نهی از منکر که توسط دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان رضوی برگزار شد، افزود: اعضای هیئت‌علمی متخصص و علاقه‌مند می‌توانند در زمینه تولید محتوای کتاب‌های آموزشی این رشته با ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور همکاری کنند. و